

من محکوم نمی‌کنم

تا آن جا که به خاطر دارم هر وقت اتفاق زشتی افتاده و گندش در آمده، پشت بندش نهادها، مراکز، سازمان‌ها و آدم‌های زیادی بی‌انیه داده‌اند و آن را محکوم کرده‌اند. درست مثل سازمان ملل که هر وقت کشوری به کشوری حمله می‌کند، مخالفان سیاسی به بند کشیده و شکنجه می‌شوند، روزنامه‌نگاران مورد تهدید قرار می‌گیرند و... بی‌انیه محکومیت علیه بانیان جنگ، شکنجه، اختناق و... صادر می‌کند. در هر دو مورد هم نتیجه‌اش توقف جنگ، شکنجه و عمل زشت نیست. این بی‌انیه‌ها حکم آن آخی طفلکی دارد که وقتی از تن مجروحی خون می‌رود یکی به زبان می‌آورد. مانع تکرار آن و توقفش که نمی‌شود هیچ! مرحم هم نمی‌شود.

شاید به خاطر همین تفکر است که از وقتی، متن بی‌انیه دردناک تعدادی از [زنان سینماگر ایرانی](#) را خوانده‌ام بیشتر از محکوم کردن آن به پذیرش نقشی که هر کدام از ما (نهادها، سازمان‌ها، اشخاص حقوقی و حقیقی) در آن داریم، فکر می‌کنم. نقشی که اگر درست و با دقت نگاه کنیم صرفاً متوجه خشونت نسبت به دست‌اندرکاران زن سینمای ایران نمی‌شود.

متأسفانه موضوع عمیق‌تر و گسترده‌تر از زمانی معدود و صنفی خاص است. شاید اگر شرایط فراهم شود زنان بسیاری لب به سخن باز کنند و از رنجی بگویند که برده‌اند و از خشونتی حرف بزنند که تجربه کرده‌اند. خشونت رنجی که تابوهای رایج مانع از بیان آن شده است و زنان خود به تنهایی بار آن را به دوش کشیده‌اند. رنج و دردی که برای زدودنش در گام اول به جای محکوم کردن باید به پذیرش نقش هر کدام مان اقدام کنیم. منظور از این هر کدام تمام افراد، سازمان‌ها، مراکز، نهادها، قانونگذاران، مجریان قانون و... است که زمینه چنین شرایطی را فراهم کردند.

گرافه نگویم در اتفاق [خشونت نسبت به زنان](#) و خیلی از وقایع دیگر پای خیلی‌ها مان گیر است. می‌توانیم مثل بسیاری از وقت‌ها که نقصی پیش می‌آید، گندی زده می‌شود و خسارتی وارد می‌شود در مورد فقره زنان از زیر بار مسوولیت شانه خالی کنیم و با رفتاری غیر انسانی وارد بازی رد کردنی شویم و تمام تلاش‌مان این باشد که اتهام را از خود دور کنیم. می‌توانیم در عین نقش داشتن در آن محکومش کنیم و منتظر بمانیم تا آب‌ها از آسیاب بیفتد! و بعد در دوباره روی همان

پاشنه‌ای بچرخد که در آن مادران، [دختران](#)، زنان، خواهران و عزیزانمان رنج می‌کشند و دردشان را با دندان گزیدن از ما پنهان می‌کنند! البته این تنها راه نیست! راه اصلی در پذیرش نقشی است که هر کس در ایجاد این گند بزرگ دارد.

باید بپذیریم و اصلاح کنیم. اگر نکردیم اصلاح‌مان کنند. باز تاکید می‌کنم این هر کس همه افراد حقوقی و حقیقی و دولت‌های پیدا و پنهان، سازمان‌ها و... است که در ایران نقشی ایفا می‌کنند. پس من محکوم نمی‌کنم، برای اصلاح شرایط قدم برمی‌دارم.

****حسن لطفی ، منتقد سینما**